

شیطان در تصوف

تراژدی ابلیس در روان شناسی صوفیانه

پیشگویی. آون

مقدمه: پروفور آنه ماری شیل

ترجمه مقدمه و تحقیق: مرضیه سلیمانی



نسخه

سرشناسه	: آون، پيتر ج. Awn. Peter J.
عنوان و نام پديدآور	: شيطان در تصوف / پيتر ج. آون؛ ترجمه مرضيه سليماني.
مشخصات نشر	: تهران: علم، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهري	: ۷۸۰ ص.
شابک	: 4 - 289 - 224 - 964 - 978
يادداشت	: عنوان اصلي: Satan's tragedy and redamption: Iblis in psychology, 1983
موضوع	: شيطان
موضوع	: شيطان - جنبه هاي فرآني
موضوع	: شيطان در ادبيات
موضوع	: تصوف - عقايد
سلسله افروده	: سلیماني، مرضيه، ۱۳۵۰ - مترجم
رده بندي کنگره	: ۱۳۹۰ ش ۹ / ۲۲۱ BP
رده بندي ديوي	: ۲۹۷ / ۴۹۷
شماره کتابشناسي ملي	: ۲۳۸۸۲۲۶



نسخه

شيطان در تصوف

پيتر ج. آون

ترجمه مرضيه سليماني

طراح جلد: مهرداد شيخان

ليتوگرافي: کوثر

چاپ: حيدري

چاپ اول، ۱۳۹۰

تيراز: ۱۶۵۰ نسخه

غيابان انقلاب، غيابان ۱۲ فروردين، غيابان شهيد اژندامري

بينست گرانفر، پلاك ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ براي ناشر محفوظ است.

شابک ۴ - ۲۸۹ - ۲۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِّن طِينٍ / فَاذْأَسْوِئْتُهُ، وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ / فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ / إِلَّا إِبْلِيسَ اشْتَكَبَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ / قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِسَيِّئٍ اشْتَكَبْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْعَالِينَ / قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ / قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ / وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ / قَالَمْ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ / قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ / إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ / قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ / إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ / قَالَ فَاتَّخِذْ وَالْحَقِّ اقْوُلُ / لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

* * *

چنین بود که پروردگارت به فرشتگان فرمود همانا من آفریننده انسانی از گِل هستم / پس چون او را استوار بیرداختم، و در آن از روح خود دمیدم، برای او به سجده درافتید / آن گاه فرشتگان همگی سجده کردند / مگر ابلیس که کبر ورزید و از کافران شد / فرمود ای ابلیس چه چیزی تو را از سجده به آن چه با دستان خویش آفریده‌ام، بازداشت؟ آیا کبر ورزیدی یا از بلند مرتبگان بودی؟ / گفت من بهتر از او هستم، [چرا] که مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل آفریده‌ای / فرمود از آن جا [بهشت] بیرون شو که تو مطرودی / و لعنت من تا روز جزا بر تو باد / گفت پروردگارا پس مرا تا روزی که [همگان] برانگیخته شوند مهلت ده / فرمود تو از مهلت یافتگانی / تا روز آن هنگام معین / گفت [سوگند] به عزّت تو که همگی آنان را گمراه خواهم ساخت / مگر از میان آنان، آن بندگان را که اخلاص یافته‌اند / فرمود حق است و حق را می‌گویم / که جهنم را از تو و کسانی از آنان که از تو پیروی می‌کنند، جملگی آکنده خواهم ساخت.

(قرآن کریم، سوره ص، آیات ۷۰ تا ۸۵، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی)

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه مترجم
۲۷	پی‌نوشت‌ها
۳۱	دیباچه / آنه ماری شمل
۳۷	درآمد
۳۹	مقدمه نویسنده
۷۳	پی‌نوشت‌ها
۷۷	یک - زندگی‌نامه اسطوره‌ای
۷۹	الف) خاستگاه‌ها و تاریخ زندگی
۷۹	۱ - ابلیس: قرآن و منابع پیشااسلامی
۸۸	۲ - ابلیس: فرشته، جن، پارسا
۱۰۱	۳ - ابلیس: مواجهه با آدم
۱۰۹	۴ - ابلیس: پیامدهای نافرمانی
۱۱۴	۵ - ابلیس: اغوای آدم و حوا
۱۲۵	ب) چشم‌انداز حدیث
۱۲۵	۱ - منابع
۱۲۹	۲ - ابلیس / شیطان: سرشت و حیات روحی بشر

- ۳- ابلیس / شیطان: زندگی عبادی، خوردن، آشامیدن و تطهیر آیینی ۱۳۶
- ۴- ابلیس / شیطان: شباهنگام، زمان افزونی قدرت ۱۳۹
- ۵- ابلیس / شیطان: یاری خدا در مقابله با خصم ۱۴۱
- پی نوشت ها ۱۴۷
- دو- ابلیس یک چشم ۱۷۵
- الف) ابلیس مکار ۱۷۷
- ۱- ابلیس: جذب و بسط صوفیانه اطلاعات زندگی نامه ای .. ۱۷۷
- ۲- ابلیس: نظریه روحی و روانی بر بنیاد مضامین حدیث .. ۱۸۳
- ۳- ابلیس: جهان و دیگر ترفندها ۱۹۹
- ۴- ابلیس: پناه جستن از شر شیطان رحیم ۲۰۹
- ۵- ابلیس: دستکاری در خیر ۲۱۶
- ب) ابلیس مغرور ۲۳۹
- ۱- ابلیس: گناه «من» ۲۳۹
- ۲- ابلیس: بهانه اضطرار ۲۴۹
- ۳- ابلیس: امر و اراده خدا ۲۵۹
- ۴- ابلیس: ناکامی در دست پارسایان ۲۷۶
- ۵- ابلیس: تراژیک اما شرور ۲۹۲
- پی نوشت ها ۲۹۹
- سه - ابلیس: نمونه انسان غارف ۳۲۷

الف) علم اضداد	۳۲۹
۱- ابلیس: واعظ، موحد و شهید	۳۲۹
۲- ابلیس و موسی بر کوه سینا	۳۴۳
۳- ابلیس: حاجب آلا الله، نور سیاه قدرت الاهی و طره‌ای بر رخسار محبوب	۳۵۱
۴- ابلیس: تناقض کمال از طریق فراق	۳۶۳
۵- ابلیس: مجبور اما آزاد	۳۷۱
ب) از محکومیت تا بازسازی	۳۷۹
۱- ابلیس: جمع‌بندی مضامین اصلی - یک	۳۷۹
۲- عیسی و صخره	۳۸۸
۳- ابلیس: جمع‌بندی مضامین اصلی - دو	۳۹۹
۴- ابلیس: قدرت نجات‌بخش شهادت	۴۰۸
۵- ابلیس: بازگشت به واحد	۴۳۱
پی‌نوشت‌ها	۴۴۱
چهار - خلاصه و نتیجه‌گیری	۴۷۱
الف) خلاصه	۴۷۳
ب) نتیجه‌گیری	۴۸۵
پی‌نوشت‌ها	۴۹۵
پنج - ضمیمه	۵۰۱
پی‌نوشت‌ها	۵۰۹

۵۱۳	شش - فهرست منابع مؤلف
۵۴۷	هفت - افزونه‌های مترجم
۵۴۹	الف) تحقیقات و توضیحات
۷۲۱	ب) پادشاه تاریکی
۷۲۳	هشت - نمایه‌ها
۷۳۵	اعلام
۷۵۹	کتاب و رسائل
۷۷۳	مکان‌ها و موسسات

مقدمه مترجم

این کتاب بر موضوعی شرقی و اسلام شناسانه استوار است. اما من برای تأکید بر اهمیت این اثر و تذکر بر معاصر و جهانی بودن موضوع، مایلیم اشاراتی به برخی منابع مهم در ادبیات معاصر غربی داشته باشم. زیرا موضوع شیطان، اسطوره و پدیده‌ای فرازمان و فراگیر است که در همه فرهنگ‌ها و جوامع وجود داشته و در پرتو زبان، فرهنگ و نظام‌های معرفتی و دینی متفاوت تکرار شده است:

الف - اختراع شیطان، یادداشت یا داستان کوتاه، نوشته فرانتس کافکا؛ نویسنده چک (۱۸۸۳-۱۹۲۴م):

وقتی شیطان در جسم ما حلول می‌کند، بی‌شک فقط با یک شیطان سروکار نداریم، چون در این صورت دست‌کم روی زمین آرام زندگی می‌کردیم، همان‌گونه که با خدا، در عین وحدت، بدون تناقض، بدون فکر و خیال، همواره مطمئن از مردی که پشت سرمان ایستاده است. چهره‌اش وحشت زده‌مان

نمی‌کرد، چون به عنوان موجودی شیطانی، در صورت وجود کمی حساسیت نسبت به چنین منظری، آن اندازه زیرک بودیم که ترجیحاً دستی را قربانی کنیم و با آن چهره‌اش را بپوشانیم. اگر فقط یک شیطان ما را در اختیار داشت - برخوردار از آزادی عمل در هر لحظه، با اشراف بی‌دغدغه و بی‌مزاحم بر سرشتمان - چنین شیطانی آن اندازه توانمند بود که ما را به درازای عمری بشری فراز روح خدایی موجود در درونمان نگه دارد و چنان به گردش درآورده که کم‌ترین بارقه‌ای از آن به چشمان نابد و در نتیجه از این سوهم دچار تشویش نشویم. شوربختی زمین ما تنها از تعدد شیطان‌ها مایه می‌گیرد. چرا یکدیگر را از میان بر نمی‌دارند تا فقط یکی باقی بماند؟ چرا همه تابع یک شیطان بزرگ نمی‌شوند؟ هر یک از این دو حالت با اصل شیطانی فریفتن هر چه کامل‌تر ما سازگاری می‌داشت. تا وقتی یگانگی‌ای وجود ندارد، توجه شایانی که مجموع شیطان‌ها تار ما می‌کنند به چه کار می‌آید؟ کاملاً روشن است که کم شدن یک تار موی انسان برای شیطان‌ها بیشتر حایز اهمیت است تا برای خدا، چرا که آن تار مو برای شیطان واقعاً از دست می‌رود، ولی برای خدا نه. تنها مسئله‌ای که هست تا وقتی این همه شیطان درون ما وجود دارد، چنین چیزی باعث نمی‌شود به آسایش برسیم.^۱

ب - قطعه‌ای از شعر شارل بودلر شاعر فرانسوی (۱۸۲۱-۱۸۶۷م):

... او را دانشورترین و زیباترین فرشتگان می‌خواند.

شاهزاده تبعیدی

که سزاوار چنین سرنوشتی نبود.

او، گرچه شکست می‌خورد،

همواره نیرومندتر سر برمی‌آورد

و با چشم تیزبینش،

عمیق‌ترین زرادخانه‌ها را می‌شناسد...^۲

همین دو جستار به نثر و نظم، از دو نایفه معاصر اروپایی، برای درک اهمیت موضوع کتاب حاضر کافی است. در غرب نیز مانند جهان اسلام، مسئله ابلیس و شیطان همواره مطرح بوده و از سابقه‌ای طولانی برخوردار است؛ خاصه در قرون وسطای مسیحی و مباحث کلامی و اعتقادی ایشان در باب عهد عتیق و قصص آن. در کتاب حاضر نیز اشارات مفیدی به همه این مسائل شده که برای درک تطبیقی و همه جانبه از موضوع بسیار مفید است. مع هذا، نقل قول‌های فوق را نه برای اظهار فضل، بلکه برای درک فراگیری و فرا زمانی چنین موضوع حساسی نقل کردم تا خواننده امکان بیشتری برای توسع و تطبیق داشته باشد و به همین دلیل واپسین نقل قول را نیز در همین زمینه، شامل یک قطعه ادبی - اعتقادی، از یک سروده مهم قرن هفدهم میلادی نقل می‌کنم:

ج - بخشی از شعر جان میلتون، شاعر انگلیسی (۱۶۰۸-۱۶۷۴م)
سراینده منظومه بهشت گم شده، از زبان ابلیس:

نیروی او که فوق نیروها بود، با نیروی معارض روبرو گشت

در نبردی ناسرانجام، در دشت های آسمان

و اورنگ او را لرزاند

چه باک اگر معركة از دست رفت؟

همه چیز از دست نرفته است:

اراده استوار

تدبیر انتقام

کین پایان ناپذیر

و همتی که هرگز نباید از پای درافتد یا تسلیم شود

و چه چیز دیگر باقی ماند که

نشود بر آن غلبه کرد؟

خشم یا نیروی او

هرگز این افتخار را از من نخواهد ربود

که زانو بزنم

و با استغاثه از او طلب بخشایش نمایم

و الوهیت او را بستایم...^۳

با این توضیحات، اینک می‌خواهم این دعوی را مطرح کنم که زیبایی و غنای این موضوع، در حکایت‌ها، تفسیرها، توصیف‌ها، آموزه‌ها، نکته‌سنجی‌ها و آفرینش‌های شاعرانه فرهنگ اسلامی و ایرانی، گسترده‌تر و متعالی‌تر از دیگر فرهنگ‌ها و جوامع و ادیان است. این را نه از سر تعصب یا تعلق، بلکه به برهان و قرینه روشن می‌گویم. اگر منابع همین کتاب دیده و خوانده شود، ادعای فوق تصدیق خواهد شد. اما با دریغ بسیار باید بگویم که کم‌کاری و بلکه بی‌کاری و سهل‌انگاری فرهنگ‌سوزی که گریبان تمدن اسلامی را گرفته، و فرهنگ خاص ما نیز از آن آسیب فراوان دیده - مجال خلق منابع مفید و مناسب را از ما گرفته و امکان پژوهش‌های تازه را از ما ستانده است.

ماجرای عزم مترجم برای برگرداندن این کتاب نیز به همین موضوع بازمی‌گردد. هنگامی که به نگارش مقاله‌ای دربارهٔ ابلیس در تفاسیر عرفانی مشغول بودم، در ضمن تحقیق متوجه شدم که انبوه منابع کهن حیرت‌انگیز است و نوشته‌های معاصر در حکم هیچ! نتیجهٔ قهری گرفتم که موضوع ابلیس و شیطان نزد قُدمای دانشور و اسلاف سخت‌کوش ما موضوعی بسیار مهم بوده که در همهٔ جوانب آن به تلویح و تصریح و تفسیر و تأویل سخن گفته و نوشته‌اند و حکایات و قصص و تمثیل‌های بسیار خلق کرده و سروده‌اند. اما رخوتِ معاصر، به ما مجال بهره‌گیری از این خزانهٔ سترگ، و نورستانی از این خورشیدِ درخشان را نمی‌دهد.

برای آن‌که متهم به شعاردادن نشوم، امهات مطالبی را که معاصران

آورده‌اند ذکر می‌کنم و البته دو ترجمه از آثار دو مستشرق بزرگ را هم در عداد همین نمایه آورده‌ام تا از فقر آن کمی بکاهم! اگرچه در برابر استادان بزرگ و یگانه معاصر، علامه بدیع‌الزمان فروزانفر، استاد علینقی منزوی و حضرت استاد محمد رضا شفیعی کدکنی تعظیم می‌کنم، اما واضح است که تحقیقات معاصر موجود در این عرصه، اندک و در این موضوع خاص، مستمند است. عجالتاً در زبان فارسی، از قلم معاصران، این‌ها را می‌توان ذکر کرد که شامل معدودی مقاله و مطالبی در ضمن برخی کتاب‌هایند:

- ۱- نوشته استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، در کتاب شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری.^۲
- ۲- یادداشت تفصیلی استاد محمد رضا شفیعی کدکنی در ذیل کتاب تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا، اثر رینولد ا. نیکلسون.^۳
- ۳- فصلی از کتاب دریای جان، اثر هلموت ریشتر.^۴
- ۴- نوشته استاد علینقی منزوی در تعلیقات نامه‌های عین‌القضات همدانی.^۵
- ۵- نوشته پروفیسور آنه ماری شیمل در کتاب ابعاد عرفانی اسلام.^۶
- ۶- مقاله‌های لغتنامه دهخدا، ذیل مدخل‌های ابلیس و شیطان.
- ۷- مقاله دکتر فتح‌الله مجتبیایی و دکتر آذرتاش آذرنوش در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.^۷
- ۸- مقاله آقای تقی ارژن‌ای.^۸

۹- کتاب و مقاله آقای مهدی کمپانی زارع.^{۱۱}

۱۰- جستارهایی در مجله هستی.^{۱۲}

۱۱- توضیح عقیف عسیران در مقدمه رساله شکوی الغرب.^{۱۳}

۱۲- مقاله خانم مریم چراغی.^{۱۴}

این‌ها بخش اعظم منابع معاصر ما در زبان فارسی است و در هنگام نگارش این مقاله، اطلاع پیدا کردم که کتابی با عنوان نظر عین‌القضات درباره ابلیس نوشته آقای دکتر محمود عابدی نیز در دست انتشار است.^{۱۵} نیاز به توضیح نیست که چرا ما درباره موضوع ابلیس و شیطان در فرهنگ و منابع اسلامی نیازمند آثار و تحلیل‌های مفصل و عمیق و معاصر هستیم! و چرا کتاب حاضر، اهمیتی انحصاری از حیث موضوع، روش، تدوین، تفصیل و خصوصاً منابع و مآخذ دارد و می‌تواند به عنوان مرجعی قابل اعتماد و اصیل در این زمینه به کار پژوهش‌گران عرفان، ادب و فرهنگ اسلامی آید.

* * *

نویسنده این کتاب، پروفیسور پیترو جی. آون، از برجسته‌ترین اسلام‌شناسان حال حاضر جهان است. وی در رشته‌های الهیات و کلام مسیحی، فلسفه، زبان‌های کلاسیک، اسلام‌شناسی و ادیان تطبیقی تحصیل و پژوهش کرده و در سال ۱۹۷۸م از دانشگاه هاروارد دکترای گرفته است. در حال حاضر، پیترو آون استاد اسلام پژوهی و ادیان تطبیقی در دانشگاه کلمبیا و استاد مدعو در دانشگاه پرینستون در آمریکا است. وی رئیس

مدرسه مطالعات عمومی (GS) دانشگاه کلمبیا، رئیس فعال مدرسه آموزش مستمر (SCE)، رئیس دپارتمان دین، رئیس کمیته رؤسای دپارتمان‌های علوم و هنرها و مدیر بخش دانش‌آموختگان همان دپارتمان و رئیس انجمن هنرها و علوم در دانشگاه کلمبیا است. آون سخنرانی‌های متعدد و دوره‌های آموزشی گسترده‌ای درباره نقش دین اسلام و فرهنگ اسلامی در توسعه سیاسی و اجتماعی کشورهای مسلمان برگزار کرده و یکی از اصلی‌ترین پژوهش‌گران پروژه پژوهشی «جوامع اسلامی در شهر نیویورک» است که بنیاد فورد از آن حمایت می‌کند.

پروفسور آون سفرهای بسیاری به اروپا، خاورمیانه، آفریقای شمالی و آسیای جنوب شرقی داشته و مدتی هم در ایران بوده است. وی مقالات متعددی در زمینه‌های تخصصی خود نوشته که جملگی موضوعاتی خاص و بحث‌انگیز داشته است. از جمله مقاله «اسلام هندی: ماجرای شاه بانو»^{۱۶} که نمونه جالبی از تحقیقات او درباره روابط اجتماعی در جوامع دینی و متکثر محسوب می‌شود.

پیتر جی. آون، آموزگار و انسانی با خصائل اخلاقی والا و محبوب قلوب دانشجویان و پژوهش‌گران مراکزی است که وی در آن‌ها تدریس و سخنرانی یا پژوهش می‌کند. خاصه در دانشگاه کلمبیا که محبوبیتش نزد دانشجویان شوق‌افزا و حیرت‌انگیز است. مراکز و بنیادهای بسیاری از پروفسور آون تقدیر کرده و به وی جوایزی اهدا نموده‌اند. از جمله:

- نخستین جایزه Phillip and Ruth Hettleman در سال ۱۹۸۴، ب.ا.ی.

پژوهش‌ها و تعالیم برجسته و متمایز.

- دریافت جایزه Great Teacher Award از انجمن فارغ‌التحصیلان دانشگاه کلمبیا در سال ۱۹۹۵.

- جایزه مؤسسه Fulbright برای پژوهش‌های اصیل در عرصهٔ ادیان خاورمیانه، خصوصاً اسلام‌شناسی.

- چندین جایزه از National Endowment for the Humanities.

افزون بر جوایز و تقدیرهای بسیار، اهمیت کتاب حاضر نیز نادیده گرفته نشده و استنادات فراوان به این اثر و ستایش‌ها و مقالات متعددی که در باب آن گفته و نوشته شده، بیانگر اهمیت یگانهٔ آن است. پروفیسور آون برای نگارش این اثر، جایزه American Council of Learned Societies را نیز از آن خود کرده است.

همان‌طور که از مطالعهٔ کتاب حاضر می‌توان دریافت، روش پژوهش نویسنده، بر ارجاع به حداکثر منابع و تحلیل و تطبیق و عرضهٔ آن‌ها به یکدیگر استوار است. نتایج درخشانی که در هر بخش عاید خواننده می‌شود، دستاورد نوشته‌های این اسلام‌شناس و محقق برجسته و نکته‌سنج روزگار ماست.



ترجمهٔ این کتاب، بادشواری‌هایی همراه بود زیرا نویسنده تمامی متون عربی و فارسی مورد ارجاع را - اعم از نظم و نثر - به انگلیسی ترجمه و تحریر کرده بود. این مسئله با توجه به مخاطبان انگلیسی کتاب، امری

طبیعی است، اما مترجم نمی‌توانست عین عبارات انگلیسی را به فارسی برگرداند و خود را متعهد می‌دانست که تک‌تک ارجاعات را از روی اصل منابع یافته و متن اصلی را در ترجمه بگنجاند. برای درک دشواری کار، لازم است بگویم که بسیاری از ارجاعات متن، صرفاً اشاره‌ای به مضمون یا موضوع نثر یا شعری در یک متن کهن فارسی یا عربی بوده است و مترجم به ناگزیر، بارها متن را زیرورو و تطبیق کرده تا عبارت، جستار یا شعر مورد نظر را یافته است. در این‌جا از اطالۀ کلام می‌پرهیزم و تنها سرفصل‌های کاری را که طی بیش از دو سال کار فشرده، در این ترجمه انجام گرفته است بیان می‌کنم:

۱- اصل منابع مورد استناد مؤلف، خصوصاً منابع پرشمار فارسی و عربی - به جز دو مورد - یافته شد و مستند ترجمه قرار گرفت.

۲- بسیاری از منابع، با نسخه‌های قدیم‌تر یا جدیدتر مطابقت و مقابله شد.

۳- برخی از چاپ‌های متون کهن که در سال‌های دور منتشر شده بود، اشکالاتی داشت که مترجم به لحاظ سجاوندی، مفهومی و فنی یا اصلاح اغلاط مطبعی، ناچار به ویراستن و پیراستن آن بوده است.

۴- ارجاعات به متون عربی، با یافتن اصل متن و تطبیق دو متن اصلی و ترجمۀ انگلیسی کتاب، به فارسی برگردانده شده است.

۵- در مورد متون فارسی، عیناً با توجه به مأخذ مورد ارجاع نویسنده، یافته شده اما در مواردی که تصحیح‌های مجدد و متعدد و معتبر تازه‌ای

داشته، با آن مقابله شده است.

عدد مورد متون اروپایی و عربی‌ای که ترجمه فارسی معتبری داشتند، آن ترجمه مرجع مترجم قرار گرفت و عین آن آورده شد. مثلاً ترجمه کهن احیاء العلوم اثر مؤیدالدین خوارزمی و ترجمه کتاب التعرف یا رساله قشیریه و امثالها، و ترجمه معاصران، نظیر ترجمه روح القدس ابن عربی یا فلسفه علم کلام و فلسف و مانند آن‌ها، اما اگر در مواردی ترجمه ناقص یا کم اعتباری در دست بود، در تطبیق با اصل عربی و ترجمه انگلیسی پینتر آن، مجدداً ترجمه شده، اما به مشخصات این منابع و ترجمه‌ها در تعلیقات اشاره شده است.

* * *

مترجم با توجه به گستردگی موضوع و کثرت منابعی که حین جستجوی مآخذ اصلی مورد توجه قرار می‌گرفت، در پایان کتاب لازم دانست تحقیقات و توضیحاتی را بر کتاب حاضر بیفزاید. این افزونه‌ها، شامل موارد زیر است:

- ۱- یافتن و آوردن عین نص و متنی که مورد اشاره مؤلف بوده است، اعم از شعر یا نثر. این کار ارزش تحقیقی و استنادی اثر حاضر را افزون ساخته و برای خواننده فارسی زبان، هم ضروری و هم مفید بوده است و تنها اشاره تلویحی در متن یا ارجاع استنادی در پی‌نوشت‌های مؤلف کافی نبود.
- ۲- رفع برخی ابهامات و ایضاح مسائلی که برای خوانش و فهم متن لازم بود.

۳- تطبیق منابعی که چاپ‌های متفاوتی از آن‌ها در دست بود و تذکر اختلاف میان آن‌ها. در این زمینه، خصوصاً به تصحیحات و یافته‌های جدیدتری که طی چند دهه اخیر از متون نظم و نثر کلاسیک ارائه شده - نظیر تصحیح مجموعه آثار عطار نیشابوری توسط استاد شفیع کدکنی - نظر داشته‌ام و در مواردی این تصحیحات را بر ارجاعات مؤلف ارجح دانسته و مرجع ترجمه قرار داده‌ام.

۴- برای رفع هرگونه سوء تفاهم در خوانش اعلام و برخی اصطلاحات مهم و برخی کتب و رسائل اصل واژه یا اصطلاح انگلیسی را در تعلیقات آورده‌ام.

۵- برخی توضیحات و مسائل که در منابع مختلف درباره موضوعی وجود داشته و مؤلف ندیده یا نیاورده یا در زمان تألیف کتاب در دسترس او نبوده یا بعداً منتشر شده است، در اینجا آورده شده تا امکان تکمیل اطلاعات فراهم گردد و افقی گسترده‌تر از منابع و مسائل برای این پژوهش دیده شود. این توضیحات، گاهی مفصل و گاه مجمل است. اما امیدوارم خوانندگان بصیر و نکته‌سنج نپندارند که مترجم از سرِ تفنن یا برای اظهار فضل چنین کرده است. حاشا و کلاً! تنها دلیل و موجه‌ترین برهانی که مرا بدین کار دشوار و طاقت‌فرسا واداشت، خصلت دانشنامه‌ای کتاب در موضوع مهم و خاص آن بود. امری که نظیر و نمونه دیگری در زبان فارسی ندارد. به همین دلیل، می‌باید حداکثر اطلاعات و منابع و تذکراتی که لازمه تحقیق در این موضوع است، در اختیار قرار گیرد و خوانندگان و

پژوهش‌گرانی که از این پس در این عرصه گام می‌نهند، همچون ما دچار سرگردانی و پریشانی منابع و فقیر مآخذ نشوند. این افزونه‌ها و شروح، غالباً جستار یا نقل‌قولی از اصل منابع و امهات مآخذ است و به شعر و نثر، و به فارسی و عربی نقل شده است.

عده اشعار اجمالی مؤلف به نصوص و منابع فارسی و عربی، به تفصیل آورده شده است.

۷- در بخش دوم از تعلیقات مترجم، مقاله مفیدی درباره کتاب حاضر، که به قلم نویسنده‌ای دانشمند و در منبعی معتبر منتشر شده است، برگزیده و ترجمه شد. این مقاله، ضمناً نکات تازه‌ای درباره موضوع و کتاب برای خواننده دربردارد و برای یافتن آن زمان و رحمت زیادی صرف کردم.

۸- فهرست منابع مترجم که در بخش توضیحات و پژوهش‌ها مورد استفاده قرار گرفته بود، به صورت جداگانه آورده نشد و مشخصات دقیق منابع مذکور در ذیل مطالب قید شده است. اما از طریق فهرست کتب و رسائل، می‌توان به کلیه اطلاعات کتاب شناختی دست یافت.

۹- واپسین مسئله در این زمینه، توجه دادن به این نکته است که در سراسر متن، دو نوع شماره ارجاع وجود دارد. شماره‌های لاتین مربوط به پی‌نوشت‌های نویسنده است که در آخر هر فصل آمده و شماره‌های فارسی مربوط به توضیحات و تعلیقات مترجم است که در پایان کتاب قرار گرفته است.

این ترجمه و تحقیق، بدون مساعدت برخی دانشوران و همکاران و برخی نهادها و مراکز علمی میسر نبود و من سپاس‌گزار همه ایشانم: دوستم یاسر هدایتی، نخستین‌بار این کتاب را به من معرفی کرد. خانم مهدیس طبیب، کارشناس - مسئول بخش ایران‌شناسی در کتابخانه ملی، علی‌رغم کارشکنی و معطلی و هزینه نامعقول برای اسکن کردن متن در بخش‌های دیگر، با روی خوش و محبت بسیار به من کمک کرد. مدیر دانشور و با فضیلت کتابخانه دائرةالمعارف بزرگ اسلامی آقای عنایت‌... مجیدی و کارکنان این کتابخانه، به ویژه خانم زهرا سیفی مدیر دفتر و خانم مرگان مجیدی مسئول بخش مجموعه‌ها، تعداد پرشماری از منابع نایاب، کمیاب و پرارزش را در اختیار مترجم نهادند. دوست و همکارم غلام‌رضا دادخواه در مؤسسه اطلاعات، چندین نسخه دیجیتالی و چاپی از منابع کمیاب را برایم فراهم کرد. دوست کتاب‌شناسم پریسا کریم رضایی در بخش مجموعه‌ها و نسخه‌های کمیاب کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کمک‌های بسیاری به من کرد. آقای نعیمی در بخش مجلات کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز مجله مدرسه مطالعات آفریقایی و شرقی را برایم یافت. دوست محقق و تاریخ‌دانم دکتر علی ططری، مدیر بخش اسناد کتابخانه مجلس و کارکنان این کتابخانه، جست‌وجو در منابع متعدد را برایم آسان ساختند. خانم شفیع‌ی مسئول کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و مسئولان کتابخانه روزنامه اطلاعات، چند منبع کمیاب را

برایم یافته و در اختیارم نهادند. کتابفروشان ارجمند، آقایان ابوالفضل رحیمی در تهران و سیدهدایت غضنفری در قم، چهار کتاب ارزشمند و کمیاب عربی را برایم یافتند و در اختیارم قرار دادند. آقای علی بروجردی و همکاران مؤسسه بروجردی، حروفنگاری دقیق و کم غلط کتاب را بر عهده داشتند. آقای مهدی علمی، مدیر انتشارات علم، با حمایت‌های مادی و معنوی خود، اسباب انتشار این کتاب را فراهم آورد و سرانجام خانواده‌ام که در هیچ لحظه‌ای مرا تنها نهداند و پا به پای من گام برداشتند...

اما پایان بخش این سپاس‌ها، مربوط به استاد اندیشمند و دانشمند معاصر ایران، استاد مصطفی ملکیان است که ترجمه مرا متبرک کردند و نه تنها نکات مفید و اصلاحاتی را به من متذکر شدند، بلکه در سراسر کتاب، اغلاط و ویرایشی و موارد دیگر را نیز با حوصله و دقت نشان کرده و بر اعتبار این کتاب افزودند.



درباره اهمیت و ارزش این کتاب، متأله بزرگ روزگار ما، پروفیسور آنه ماری شیمل، به اخلاص و تلخیص در دیباچه سخن گفته است. بنابراین چیز دیگری بر این نوشته نمی‌افزایم و چشم امید به فضل محققان و صاحب نظرانی دارم که در طریقت ادب و انصاف، نقایص و نادیده‌های کار مرا یادآوری کنند. این ترجمه که پایان می‌گرفت؛ به شعری از صاحب‌دل نامدار سبک هندی، علامه میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی، برخوردم و پایان این مقدمه را بدان زینت می‌بخشم:

زین پیش که دل قابل فرهنگ نبود از پیچ و خمِ تعلقم ننگ نبود
 آگاهی ام از هر دو جهان وحشت داد تا بال نداشتم، قفس تنگ نبود
 از درگاه خداوند بزرگ افزونی توفیق می طلبم و
 به سلسله بی پایانِ بخشایشِ الهی امید بسته ام

مرضیه سلیمانی

پاییز ۱۳۹۰

www.ketab.ir

پی‌نوشت‌ها

- ۱- داستان‌های کوتاه کافکا، فرانز کافکا، ترجمه علی‌اصغر حدّاد، نشر ماهی، چاپ سوم ۱۳۸۸، ص ۵۸۸.
- ۲ و ۳- نقل از فصلنامه هستی، زمستان ۱۳۷۲، منتشر شده در بخش ویژه‌نامه ابلیس، ص ۱۵۷.
- ۴- شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، بدیع‌الزمان فروزانفر، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۴، صص ۱۷۰ تا ۱۸۰ و چند جستار دیگر در صفحات مختلف.
- ۵- تصوّف اسلامی و رابطه انسان و خدا، رینولد انیکلسون، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، چاپ دوم ۱۳۷۴، صص ۱۴۴ تا ۱۶۴.
- ع- دریای جان، هلموت ریتز، جلد دوم، ترجمه مهر آفاق بایبوردی، انتشارات بین‌المللی الهدی، چاپ اول ۱۳۷۹، بخشی از فصل بیست و هفتم، صص ۱۶۳ تا ۱۸۷.

۷- نامه های عین القضاات همدانی، جلد سوم، انتشارات اساطیر، چاپ ششم ۱۳۸۷، یادداشت ها و تعلیقات دکتر علینقی منزوی، بند ششم با عنوان: صلح کل الاهی، صص ۲۳۷ تا ۲۵۱.

۸- ابعاد عرفانی اسلام، آنه ماری شیمل، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم ۱۳۸۷، بخش دوم از فصل چهارم، با عنوان خوب و بد؛ نقش شیطان، صص ۳۲۷ تا ۳۳۵.

۹- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۲، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۲، مدخل ابلیس، صص ۵۹۲ تا ۶۰۵. بخش اصلی مقاله دکتر مجتبابی در این مأخذ نیز براساس کتاب حاضر تألیف و تحریر شده است.

۱۰- ابلیس در جهان بینی تصوف، تقی اژه ای، کیهان فرهنگی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸، ش ۱۵۱، صص ۱۵ تا ۱۷.

۱۱- مشخصات این کتاب و مقاله چنین است:
الف: ابلیس عاشق یا فاسق؟، مهدی کمپانی زارع، نشر نگاه معاصر، چاپ اول ۱۳۹۰.

ب: تقدیس ابلیس نزد حلاج و نقد مولانا بر آن، مهدی کمپانی زارع، کتاب ماه دین (ماهنامه)، مهر ۱۳۸۹، صص ۸۱ تا ۹۴. البته این مقاله نیز نقل قول کامل صفحات ۷۷ تا ۱۰۰ کتاب مذکور است.

۱۲- ویژه نامه فصلنامه هستی، زمستان ۱۳۷۲، صص ۱۳۰ تا ۱۵۵. البته در این قسمت، توضیحات استاد شفیعی کدکنی در ملحقات کتاب تصوف

اسلامی و رابطه انسان و خدای با عنوان ستایش ابلیس نیز در کنار چند مطلب دیگر تجدید چاپ شده است.

۱۳- شکوی الغریب، همراه رساله حقیقت مذهب، نوشته عین‌القضات همدانی، ترجمه دکتر غلام‌رضا جمشید نژاد اول، انتشارات اساطیر، چاپ اول ۱۳۸۹، صص ۴۱ تا ۴۹.

۱۴- تراز دی و نجات شیطان؛ ابلیس در روان‌شناسی صوفیانه، مریم چراغی، کتاب ماه دین، مرداد و شهریور ۱۳۸۷، صص ۷۰ تا ۷۹. این مقاله در معرفی و نقد متن اصلی همین کتاب نوشته شده است.

۱۵- نظر عین‌القضات درباره ابلیس، دکتر محمود عابدی، انتشارات علم، چاپ اول ۱۳۸۹.

16- "Indian Islam: The Shah Bano Affair" in *Fundamentalism and Gender*, ed., John Stratton Hawley, New York and Oxford (Oxford University Press, 1994).

دیباچه

سال‌ها قبل، و.ای. بیلفلد^۱ دو نقدی که بر کتاب من - بال جبرئیل^۲ - نوشته بود، عنوان کرد که شیوة ترسیم تصویر تراژیک شیطان توسط اقبال، بسی بیش از رویکرد «معمولی» مسیحی نسبت به شیطان، وی را برانگیخته است. ابلیس در جاویدان‌نامه اقبال، همچون یک موحد راستین ظاهر می‌شود، فرشته‌ای مطرود که زمانی انسان را فریفت و موجبات فروافتادن وی به «جهان واقعی» را فراهم آورد. اما این در عین حال بدان معناست که شیطان، شانس انتخاب بین خیر و شر و بنابراین فرصت رسیدن به بلوغ و کمال در طی یک دوره طولانی نبرد را نیز در اختیار آدمی قرار داده است. ابلیس اقبال، از فرمان‌برداری بی‌حد و حصر آدمی از خویش شادمان نیست چرا که نتیجه تأکید بیش از حد بر فرمان‌برداری که، به تعبیر برخی عرفا، به سقوط خود وی منجر شد را به عیان ملاحظه کرده است.

اقبال نشان می‌دهد که شیطان به کسی که در مقابل او ایستادگی کرده و در نهایت بر وی غلبه می‌کند علاقه‌مند است. این ایستادگی و آن غلبه

چنان است که در آخرالزمان، ابلیس - که از سجده «بر آدم» ناپخته و ناآزموده سرباز زد - در برابر این انسان کامل به سجده درافتاده و بنابراین، در نهایت، نجات می‌یابد.

از هنگامی که کار بر روی اشعار اقبال را آغاز کردم، تصویر شیطان چندوجهی او مرا جذب کرد و این گفته هلموت ریتز که در حماسه عطار، شیطان نهایتاً «موحدتر از خود خدا» می‌گردد^۳ نیز هرگز این افسون‌زدگی‌ام را متوقف نساخت. تقریباً قطعی بود که این علاقه به شیطان‌شناسی عرف‌شکن برخی از صوفی - شاعران بزرگ، بر دانشجویانم نیز اثر خواهد گذارد. آن‌ها گاه می‌پرسیدند چرا مثلاً شاه عبداللطیف، صوفی - شاعر بزرگ اهل سند (متوفای ۱۷۵۲ میلادی)^۴، شیطان را عاشق راستین (عاشق عزازیل) نامیده است؟

کتاب پیتز جی. آون، به یک معنا، محصول خوانش شعر صوفیانه و به‌ویژه اثر ترازیک سنایی توسط ماست که - به زبان اختصار - مسئله «آموزگار فرشتگان» را در ابیاتی ساده و عمیق به‌وصف درآورده. همو که پس از هزار سال عبادت، در لوح محفوظ دید که یکی از بندگان خدا در ازل از درگاه او طرد خواهد شد و - خیلی دیر - دریافت که منظور این عبارت، خود او بوده است.^۵ شعر سنایی یکی از بزرگ‌ترین و شخصی‌ترین نمادهای محظور هر فردی است که - به مانند ابلیس قرآن - فیما بین اراده خدا و امر او گرفتار آمده؛ و این شعر تشکیل‌دهنده هسته اصلی کتاب است که طی آن، برای نخستین بار، نقش ابلیس در جریان‌های گوناگون الاهیات عرفانی

اسلام مورد مطالعه قرار گرفته و واکنش‌های مثبت و منفی متکلمین و عرفا در مورد شخصیت ابلیس به معرض نمایش گذاشته شده است.

بنابراین، این کتاب جنبه کم‌تر شناخته شده عرفان اسلامی را بازمی‌نمایاند اما در عین حال، خواننده را بر همان دوراهی بنیادین بشر متمرکز می‌کند؛ آن‌گونه که با شدت و قوت مطرح شد و سرانجام توسط حلاج به تجربه درآمد. همو که کتاب الطواسب وی حاوی نخستین اشاره به تراژدی شیطان است و عده‌ای از دیگر عرفا در جهان ایرانی، راز توحید ابلیس را از او آموختند و برخی از آن‌ها نهایتاً به سرنوشت اندوه‌بار وی دچار آمدند.

ابلیس متلون چندچهره‌ای که کتاب پیتر آون به نمایش می‌گذارد، مطمئناً به وسوسه کردن یا دست‌کم گنج کردن انسان‌ها ادامه می‌دهد و بنابراین - آن‌گونه که اقبال (متعاقب‌گوته) اعتقاد داشت - اصل بی‌قراری پرثمر در زندگی انسان را پی می‌ریزد؛ بی‌تابی‌ای که بدون آن، ارتقای راستین معنوی غیرممکن خواهد بود. چه‌بسا او قادر باشد که انسان را به شناخت لایه‌های عمیق‌تر تجربه واداشته و در همان زمان، در خصوص مسئله قدیمی کلام و تاریخ دین دریافت جدیدی به دست دهد: این‌که چگونه می‌توان کارکرد «شر» را توضیح داد و چگونه می‌توان از عهده آن برآمد.

آنه ماری شیمل

کیمبریج، ماساچوست

۲۶ مارس ۱۹۸۱

سالروز بردار کردن حلاج